

# تأملی در باب پیش نویس کنوانسیون مبارزه با فساد

فریدون نهرینی

کنوانسیون، مدلول مواد مزبور را در قوانین داخلی خود به تصویب رسانده و با دیگر کشورهای عضو کنوانسیون معاهدات قضایی منعقد سازند.

به هر حال لازم بود ابتدا مقررات و قوانین موجود در نظام قانونی و قضایی ایران بررسی و با مواد کنوانسیون تطبیق داده شود و مواردی هم که سابقه تقنین در ایران ندارد اعلام گردد. در این مقاله تحقیق و بررسی درحد بضاعت نگارنده انجام پذیرفت که ذیلاً مواد مهم کنوانسیون در بدو امر به اختصار آمده است و سپس با مواد قانونی مرتبط با آن در سیستم قانونی ایران تطبیق داده شده است. بدیهی است بسیاری از مواد قانونی مورد مقایسه کاملاً و عیناً با مواد کنوانسیون انطباق ندارد اما سعی شده است تا حتی المقدور مواد قانونی مشابه آورده شود.

۱- موضوع ایجاد سازگاری بین رازداری بانکی و اقدامات مربوط به مبارزه با فساد. هم اکنون رازداری بانکی مطابق با ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید و ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی جدید به کیفیتی از بین رفته است و دادگاهها اختیار دارند در این زمینه از بانکها نسبت به حسابهای مشتریان آنها استعلام نموده و بانکها مکلف به تبعیت هستند در این خصوص مواد ۳۰۴ و ۳۹۹ آیین دادرسی مدنی سابق از حیث مستثنی شدن بانکها قابل توجه است.

۲- ممنوعیت معامله به قصد فرار از دین به طور صوری در ماده ۲۱۸ قانون مدنی، مطابق ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومینهای مالی مصوب آذر ماه سال ۱۳۷۷، وصف مجرمانه پیدا کرده و می توان حتی در صورت انتقال مال به انتقال گیرنده، خسارات مربوطه را از انتقال گیرنده استیفاء نمود لیکن به استثنای مورد فوق انتقال مال ناشی از فساد بانک، قابلیت استرداد ندارد مگر آنکه در تملک مجرم (مجرم) قرار داشته باشد بویژه آنکه محدث رویه شماره ۵۸۱-۲/۱۲/۷۱ هیأت عالی دیوان عالی کشور، دادگاههای انقلاب قضایی پیدا کردند که به ادعای مالکیت شخصی که مال را حتی از شخص فاسد، به انتقال داد، رسیدگی نموده و رأی دهند (از این جهت برون مزبور بسیار مفید خواهد بود و آنچه مناط این امر می گردیده، تشخیص وجوه و داراییهای ناشی از فساد اداری است و تغییر در مالکیت در آن، هیچ گونه محدودیتی از حیث تعقیب مجرمین ایجاد نمی کند (نامه جناب آقای طهماسب مظاهری به هیأت محترم امور اقتصاد و دارایی).

جمله اهداف کمیسیون،

از یکصد کشور جهان در وین تا کنون چهار نشست دو هفته ای داشته اند و پیش نویس کنوانسیون مبارزه با فساد (Corruption) را مورد بررسی قرار دادند. در نشستهای مزبور، نماینده دولت ایران نیز در ضمن هیات اعزامی شرکت داشته است. این کنوانسیون در نظر دارد تا یک قانون بین المللی را توسط کشور های عضو کنوانسیون به تصویب برساند. درپیش نویس کنوانسیون مبارزه با فساد، از کشورهای عضو خواسته شد تا در صورت فقدان سابقه قانونی در خصوص مواد و مقررات این

پول شویی پدیده ای است که معمولاً منشاء مجرمانه دارد و به منظور حلیت بخشیدن به درآمدهای ناسالم و غیر قانونی به کار گرفته می شود. چندی است دولتها درصدد برآمده اند تا با این پدیده شوم اقتصادی و بعضاً سیاسی برخورد جدی نمایند. دولت ایران نیز اگر چه کمی دیرتر ولی هماهنگ و همراه با سایر دول عزم خود را جزم نموده است تا به منظور مقابله با اصل پول شویی و آثار مخرب و زیانبار آن، تمهیداتی را فراهم و در قالب یک لایحه قانونی به مبارزه با این ناهنجاری اقتصادی برخاسته و به آن وصف مجرمانه بخشد.

پول شویی که فی الواقع یکی از مصادیق فساد اقتصادی به شمار می رود، مجموعه اقدامات و فعالیتهایی را در بر می گیرد که طی آن مجرمین تمامی درآمدهای نامشروع و غیر قانونی خود را که از طریق قاچاق کالا و مواد مخدر، خرید و فروش اسلحه و حتی قاچاق زنان و کودکان، به دست می آورند، از مجرای قانونی همانند سیستم بانکی عبور داده و به آن صبغه قانونی و مشروع می دهند. این عملیات نه تنها درآمدهای غیر قانونی حاصل از اعمال مجرمانه را موجه ساخته و تبهکاران را به استمرار و ادامه تخلفات خود بیشتر ترغیب می کند، موازنه اقتصادی کشور را نیز بر هم زده و تراز مالی سالانه کشور را نیز به غلط نشان می دهد. زیرا افزایش نقدینگی و درآمدهای ارزی کشور که به نحو ناصحیح در صورتهای مالی درج و ملحوظ می شود، دولتمردان را به اشتباه انداخته و به تصور غیر واقع افزایش سرمایه و درآمدهای دولت، سیاست گذارهای مالی و پولی کشور را متأثر می سازد. به همین جهت دولتها قادر نخواهند بود کنترلی بر امور مالی و اقتصادی خویش داشته و تعادل مناسبی را در بودجه تنظیمی و مصوب برقرار کنند. بنابراین مبارزه با آن صرفاً یک همکاری بین المللی را می طلبد تا بتوان با حراست از امنیت اقتصادی درون و برون مرزی کشور، به نتیجه مطلوب دست یازید.

اخیراً به منظور حصول اهداف فوق، لایحه مبارزه با جرم پول شویی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و کلیات آن در تاریخ های ۸۲/۵/۱۲ و ۸۲/۵/۱۴ به تصویب مجلس رسید.<sup>(۱)</sup>

علاوه بر مورد فوق، مجمع عمومی کشورهای متحد در سال ۲۰۰۰ وجود یک کمیسیون بین المللی برای مبارزه با فساد را ضروری تشخیص دادند. همین اساس کمیته ویژه ای مرکب از نمایندگان



است. البته این موضوع با توجه به اینکه تحت عنوان کلی (تامین مالی احزاب سیاسی) پیش بینی شده است اگر چه به مثابه کشورهای غربی، در ایران مصداق عملی آنچنانی ندارد ولی در عین حال اساساً بی مصداق نیز نیست. زیرا همواره برخی از مسؤولین و صاحب منصبان به جهت گرایشهای سیاسی، عضو حزب خاص می باشند اگر چه قوانین خاصی نیز وجود دارد که انتصاب در برخی از مشاغل را با عضویت در حزب یا گروه سیاسی خاص ممنوع اعلام می دارد؛ فی المثل مطابق ماده ۱۲ قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷ هیچ یک از کارکنان این وزارتخانه و سازمانهای حفاظت اطلاعات و واحدهای اطلاعاتی نباید عضو هیچ حزب یا سازمان یا گروه سیاسی باشند. به علاوه بر اساس اصول ۱۳ و ۲۶ قانون اساسی، توصیف و خصائص این احزاب و جهت های سیاسی به موجب قانون فعالیت احزاب و انجمنهای

سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی نیز شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ تشریح شده است. علاوه بر این به منظور جلوگیری از این تعارض (تعارض پستیهای انتخابی و مسؤولیتهای بخش خصوص)، در مقررات جاری کشور، ماده ۴۳ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ به چشم می خورد که مقرر می دارد مستخدم رسمی نمی تواند تصدی بیش از یک پست سازمانی را داشته باشد و صرفاً به موجب تبصره ۲ آن مقرر امور آموزشی و تحقیقی و تالیفی از صدر ماده مستثنی هستند علاوه در اجرای اصل ۱۴۱ قانون اساسی، ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ به تصویب رسید و در تبصره ۴ این قانون، تصدی ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع شرکتهای خصوصی و وکالت دادگستری یا مشاوره حقوقی را برای کارکنان دولت ممنوع شمرده و ضمانت اجرای تخلف از قانون یادشده را نیز مستوجب انفصال موقت و یا دائم از مشاغل نمود.

۱۲- پاراگراف پنجم ماده ۱۱ کنوانسیون ناظر بر جلوگیری از بروز تعارض منافع خصوصی و عمومی در زمینه فعالیتهای فنی کارمندان سابق بخش عمومی و اشتغال به کار آنها در بخش خصوصی پس از استعفاء یا بازنشستگی است. متأسفانه این مورد نه تنها در قوانین ایران نهنی نشده (حداقل نگارنده با آن برخورد نداشته) بلکه عکس آن مصداق دارد فی المثل قضات محترم دادگستری به موجب بند «ب» ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ و بند

مستلزم تقنین جدید است. ضمناً آیین نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۷ و اصلاحات بعدی آن مصوب مجلس شورای ملی سابق و آیین نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲/۴/۱۳ هیأت وزیران نیز فعلاً از جهاتی ملاک عمل می باشد. ضمن آنکه قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹ و قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی کشور مصوب سال ۱۳۳۷ نیز در این خصوص شمولیت دارد.

۹- در بخش پایانی ماده ۶ کنوانسیون مقرر شده است که دولتهای عضو باید ترتیبی اتخاذ نمایند که کارمندان بخش عمومی، امور مالی و داراییها و بدیهیهای خود و منابع درآمد خود را به محض تصدی یک پست و به صورت دوره ای در طول زمان مستمراً اعلام کرده و عندالاقضاء آن را از طریق نشر اعلان نمایند.

خوشبختانه این مورد در سیستم قانونی ایران مسبوق به سابقه است. در تاریخ ۱۳۳۷/۱۲/۱۹ قانونی موسوم به قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداریها و مؤسسات وابسته به آنها به تصویب

رسیده که این تکلیف طی مواد ۱ و ۲ و ۳ آن بر عهده کارمندان مزبور نهاده شده و مواد ۴ و ۵ و ۶ آن قانون نیز ضمانت اجرای کیفری و حقوقی آن را بر شمرده است.

۱۰- در بند الف از شق ۱ مکرر در ذیل ماده ۸ کنوانسیون، بر ضرورت وجود ضوابط اجرایی برای مدیریت اموال عمومی تأکید شده است که در این خصوص ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۶ شخصی به نام (ذی حساب) را که منصوب وزارت امور اقتصادی و دارایی است پیش بینی نموده که از جمله وظایف او نگاهداری حساب اموال دولتی و نظارت بر اموال مذکور است. علاوه بر آن ماده ۳۴ همان قانون نیز از (امین اموال) نام می برد که او نیز منصوب وزارتخانه و یا مؤسسه ذی ربط بوده و مسؤولیت حراست و تحویل و تحول و تنظیم حسابهای اموال و وجوه نقد و اوراق بهادار و کالاهای تحت ابواب جمعی به او واگذار می شود. متعاقباً و حسب تکلیف مقرر در ماده ۳۴ قانون فوق، آیین نامه مربوط به شرایط و طرز انتخاب و حدود وظایف و مسؤولیتهای امین اموال به تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۵ به تصویب هیأت وزیران رسیده که وظایف و نحوه مدیریت بر اموال عمومی و دولتی را تبیین و تشریح نموده است.

۱۱- پاراگراف آخر ماده ۱۰ کنوانسیون راجع به جلوگیری از تعارض منافع ناشی از یک کاسه شدن پستیهای انتخابی و مسؤولیتهای بخش خصوصی

استرداد عواید ناشی از فساد به کشورهای اصلی است. بحث استرداد وجوه و اموال حاصله از جرم در مادتهای ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی ایران و همچنین برخی از مقررات خاص مانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری سال ۱۳۶۷ و ماده ۲ قانون مجازات اخلاطگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۹ پیش بینی شده است اما در روابط بین الملل می باید از عهدنامه استرداد مجرمین، استمداد جست (بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون از این مورد تحت عنوان عایدات کیفری نام برده است).

۴- بند ۲ ماده ۲ (گزینه اول - فساد) - در این قسمت مقررات قانونی ایران از جمله مواد ۵۸۸ به بعد قانون مجازات اسلامی و قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری سال ۱۳۶۷ تقریر حکم نموده است و علاوه در گزینه دوم فساد نیز منظور از فساد، افعال مندرج در کنوانسیون و جرایم قانونی مصوب در هر کشور عضو می باشد.

۵- بند ۲ ماده ۳ کنوانسیون، نظر بر جرائم مطلق یا جرائم بدون نتیجه خاص دارد لهذا ضرورت ندارد جرائم مربوط به فساد، منتهی به ضرر یا ایجاد خسارت در املاک دولت شود البته می باید به جای املاک از عنوان اموال و هر نوع حقوق متعلق به دولت استفاده نمود.

۶- صلاحیت قضایی هر دولت عضو در مواردی طبق این کنوانسیون جریان می یابد که فساد و جرائم مرتبط با آن، حقوق یکی از اعضای کنوانسیون را مورد تعرض قرار دهد. در این صورت در اجرای این کنوانسیون، همکاری قضایی سایر دول عضو به منظور کمک به دولت عضو زیان دیده به منظور تعقیب متهم و جمع آوری دلایل و اعاده اموال ناشی از جرم ضرورت می یابد والا هرگاه تمامی ارکان جرم و از جمله شخص متهم و اموال ناشی از جرم در یک کشور موجود باشد، صلاحیت مراجع قضایی سایر دول عضو کنوانسیون، منتفی است از این حیث مواد ۳ تا ۸ قانون مجازات اسلامی قابل توجه است.

۷- کنوانسیون در مواردی که یک دولت و حکومت سیاسی، مرتکب فساد و جرائم موضوع این کنوانسیون گردد، ساکت است و حکم خاصی ندارد.

۸- بند ۱ مکرر ماده ۸ کنوانسیون ناظر بر تدوین قوانین مربوط به خریدهای عمومی توسط کارگزاران تدارکاتی است. بخش سوم قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ از ماده ۷۹ به بعد آن قانون بر معاملات دولتی، حاکمیت دارد و معاملات مراجع و نهادهای عمومی غیر دولتی از قبیل شهرداریها نیز تابع ضوابط و مقررات خاص خویش است البته نهایتاً فعلاً وحدت قانونی در این خصوص ناظر بر تمامی مراجع دولتی و عمومی وجود ندارد که قطعاً رعایت این بخش از کنوانسیون،

**صلاحیت قضایی هر دولت عضو در مواردی طبق این کنوانسیون جریان می یابد که فساد و جرائم مرتبط با آن حقوق یکی از اعضای کنوانسیون را مورد تعرض قرار دهد**

الف و ب و د ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ حق دارند پس از استعفاء یا بازخریدی و یا بازنشستگی به کسوت وکالت در آیند به علاوه به موجب قانون اجازه وکالت دادگستری به افسران قضایی لیسانسیه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ نیز مستخدمین مزبور مجازند در پایان اشتغال به شغل دولتی به عنوان وکیل دادگستری که از جمله مشاغل خصوصی است فعالیت نمایند.

۱۳- در ماده ۱۴ کنوانسیون به دولتهای عضو تکلیف شده که یک واحد اطلاعات مالی

را به عنوان مرکز مالی جمع آوری و نگهداری و تحلیل اطلاعات مربوط به پول شویی تشکیل دهند. اگر چه فعلاً چنین مرکزی با این عنوان و وظیفه وجود ندارد ولی در ماده ۵ لایحه مبارزه با پول شویی که در جلسه ۱۳۸۱/۶/۲۷ هیأت وزیران و به منظور تصویب در مجلس، به تصویب رسیده، روشی

ارائه شده که به این هدف کنوانسیون نزدیک است در ماده ۵ این لایحه که متن کامل آن در شماره ۱۴ مجله قضاوت آمده است. هیأت دولت مجاز گردیده تا در راستای اجرای این قانون، در آیین نامه اجرایی مواردی را از جمله الزام دستگاهها و نهادها و سایر اشخاص به ارائه اطلاعات و ارائه اسناد و مدارک لازم و نحوه نگهداری و مدت آنها و معیارهای تشخیص موارد مشکوک، پیش بینی نماید.

۱۴- ماده ۱۹ کنوانسیون مرتبط با اخذ رشوه و فساد کارمندان عمومی (دولتی) است. در این مورد نیز قوانین ایران، بدون حکم نیست؛ از جمله ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و مواد ۵۸۸ الی ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در این خصوص متضمن احکام ویژه است.

۱۵- ماده ۲۱ کنوانسیون با عنوان اعمال نفوذ، کشورهای عضو را مکلف ساخته تا تشویق در اعمال نفوذ کارمند عمومی و وعده دادن هرگونه امتیازی در این خصوص را جرم بشمار آورند. در سیستم قانونی ایران، قانونی موسوم به قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در تاریخ ۱۳۱۵/۹/۲۹ به تصویب رسیده است که طی مواد چهارگانه آن به تقریر مجازات برای اشخاصی می پردازد که به دعوی اعتبار و نفوذ در نزد مراجع عمومی و دولتی و قضایی از دیگران جوهری را مطالبه نموده و یا از روابط خصوصی خود با مستخدمین مزبور سوء استفاده کرده و یا مستخدمینی که نفوذ اشخاص دیگر را در اقدامات

و تصمیمات اداری خود تأثیر می بخشند. به علاوه صریحاً درخصوص وکلای دادگستری نیز که وجهی را به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مامورین قضایی یا اداری، دریافت می دارند، تقریر مجازات نموده است.

۱۶- ماده ۲۲ کنوانسیون ماهیه ناظر بر عناوین اختلاس (دولتی) و خیانت در امانت (خصوصی) می باشد که ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری و مادتهای ۶۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی نیز در مورد همین عناوین وضع شده است.

۱۷- ماده ۲۳ کنوانسیون در مورد جرم شناختن اختفای عمدی و نقل و انتقال اموال حاصل از جرم است. در قوانین ایران به نظر می رسد که صرفاً اختفاء و معامله و تحصیل اموال حاصل از سرقت موضوع ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی، حکم خاص دارد و

در مورد سایر جرائم به غیر از میبخت ورشکستگی، قوانین جاری ساکت است. البته باید توجه داشت که در خصوص ورشکستگی تجار، اشخاصی که تماماً تمام با قسمتی از دارایی منقول یا غیر منقول تاجر را از میان ببرند یا مخفی نمایند خواه از خویشاوندان تاجر باشند یا خیر، مشمول مجازاتهای مقرر در مواد ۵۵۱ و ۵۵۳ قانون تجارت خواهند شد.

۱۸- ماده ۲۴ کنوانسیون با موضوع سوء استفاده کارمند عمومی از وظائف و مقام خویش، در حقوق ایران مسبوق به سابقه است از جمله مادتهای ۵۷۶ و ۵۸۱ قانون مجازات اسلامی ناظر بر سوء استفاده مامورین و مستخدمین دولتی و عمومی از مقام و شغل خود می باشد. در این مورد باید به بخشنامه های شماره ۱۳۶۳۰/۱۲/۷۸ - ۱۳۷۰/۱۱/۳۰ و ۷۸ و ۱۳۶۳۶/۱۲/۷۸ - ۱۳۷۰/۱۲/۱۹ ریاست قوه قضاییه نیز توجه شود.

۱۹- راجع به ماده ۲۵ که بر عنوان کسب ثروت غیر مشروع کارمند عمومی نظارت دارد قبلاً صحبت شده و از باب تأکید، به قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداریها و موسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹، دلالت می شود. به علاوه در خصوص مسئولین طراز اول کشور نیز اصل ۱۴۲ قانون اساسی اشعار می دارد که دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد. ضمن آنکه بند ۲ ماده ۲۵ کنوانسیون نیز با اصل ۴۹ قانون اساسی ایران از جهت کسب ثروت نامشروع مرتبط است.

۲۰- در مورد ماده ۲۶ کنوانسیون، ناظر بر به

کارگیری اطلاعات طبقه بندی شده توسط کارمند عمومی نیز قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۹ و آیین نامه احراز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱ هیأت وزیران، وضع و به تصویب رسیده است. افزون بر آن ماده ۲۴ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ و اصلاحی مصوب ۷۹/۱/۳۰ و تصویب نامه راجع به ماده ۸ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳ مصوب ۱۳۸۲/۳/۲۸ هیأت وزیران مرتبط با همین امر است. به علاوه مادتهای ۵۰۵ و ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ نیز متضمن تقریر حکم مجازات در این خصوص بوده و مضافاً مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ قانون آزمایشی مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ که اخیراً نیز مدت اعتبار آن تمدید شده است، ناظر بر اسناد محرمانه و طبقه بندی شده می باشد.

۲۱- در ماده ۲۸ کنوانسیون که با عنوان منافع نامشروع آمده است، در خصوص کارمندان عمومی که مرجع و ممیز تعیین و تشخیص کسور قانونی و مالیات و عوارض می باشند و زیاده بر مقدار معین و قانونی را مطالبه می کنند را جرم تلقی نموده است. این موضوع در ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۵ نیز درج و وضع شده است.

۲۲- در ماده ۲۹ کنوانسیون بند الف آن، عنوان عدم بیان معادل disclosure قید شده که به نظر اشتباه است زیرا کلمه disclosure به معنای فاش سازی و افشای امری است و بهتر بود از کلمه disclosure non به معنی عدم افشاء یا عدم بیان استفاده می شد. البته به غیر از قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداریها و موسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹، در خصوص ماده ۲۹ کنوانسیون، قانون خاص دیگری به نظر نگارنده نرسید.

۲۳- بندهای ۱ و ۲ ماده ۳۰ کنوانسیون، مشتمل بر فرض قانونی جرائم مشابه مربوط به حوزه رشوه گیری کارمندان عمومی از حیث شروع به جرم و یا تبانی در آن است. ولی مطابق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی تعیین مجازات جداگانه صرفاً ناظر بر جرائم مختلف می باشد و هرگاه مختلف نباشند صرفاً یک مجازات تعیین و تعدد جرم از علل مشدده کیفر خواهد بود. در هر صورت شروع به ارتکاب جرم یا تبانی در آن دو عنوان جداگانه می باشند زیرا تبانی در ارتکاب جرم به نوعی از مصادیق مشارکت در ارتکاب جرم (ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی) است و مرتکبین آن، شریک جرم محسوب می شوند و نمی توان آن را با شروع به جرم یکی دانست بویژه آنکه مجازات آن دو نیز در حقوق ایران حسب نوع

در قوانین ایران صرفاً اختفاء و معامله و تحصیل اموال حاصل از سرقت موضوع ماده ۶۶۲ حکم خاص دارد و در مورد سایر جرائم به غیر از میبخت ورشکستگی، قوانین جاری ساکت است

جرم متفاوت است. مع ذلک قطع نظر از مورد فوق در برخی از قوانین ایران، تعدادی از جرایم علی رغم اختلاف در ماهیت و تعریف با یکدیگر، نسبت به آن قانون خاص، در زمره جرائم مشابه قرار گرفته اند مانند قانون تعریف محکومیت‌های موثر در قوانین جزایی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ که جرمهای سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء و خیانت در امانت را جزو جرمهای مشابه محسوب داشته است.

۲۴- ماده ۳۲ کنوانسیون با عنوان فساد در بخش خصوصی تقریر شده و ارتکاب جرائم عمدی را که از سوی واحدهای عمده در حین انجام فعالیت تجاری و هنگامی که منافع عمومی را مخدوش می سازد، قابل مجازات می داند. اما شقوق الف و ب بند ۱ ناظر بر اختلال در واحد خصوصی است که در حقوق ایران تحت عناوین خاصی مانند خیانت در امانت یا تبانی برای بردن مال غیر قابل تعقیب کیفری است. اما بند ۲ مقرر فوق که جرم اختلاس را در خصوص کارمندان عالی رتبه موسسات خصوصی در نظر گرفته در حقوق ایران جایگاهی ندارد چون اختلاس صرفاً در خصوص کارمندان دولتی و عمومی مصداق دارد و در مورد کارمندان واحدهای خصوصی، جرم خیانت در امانت به کار می رود.

۲۵- در مورد ماده ۳۳ که با عنوان شستشوی عایدات ناشی از فساد آمده است قبلاً صحبت شد و مقررات ایران نیز ذکر گردید. لهذا به نظر لازم می آید که مقنن ایران قانونی را به تصویب برساند که طی آن معامله و اختفاء و تبدیل و نقل و انتقال کلیه اموال حاصل از جرم، و صف مجرمانه یافته و مقید به قید مجازات گردد.

۲۶- در مورد جرمهای حسابداری و تهیه و به کارگیری فاکتور یا هر سند حسابداری که حاوی اطلاعات کاذب یا ناقص است یا حذف غیر قانونی اقلام یک سند هزینه موضوع ماده ۳۴ کنوانسیون، نصی دقیقاً مطابق با این مقرر را نمی توان در نظام قانونی ایران یافت ولی مصادیق مندرج در این مقرر به نوعی شبیه به جعل سند بوده و بعضاً جعل معنوی را تداعی می کند. لهذا از این جهت بیشتر با مواد ۵۲۳ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۳۴ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی، و مواد ۶ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ و ۵۴۹ و بند ۲ ماده ۵۵۱ قانون تجارت انطباق دارد. بعلاوه به منظور جلوگیری از سوء استفاده حسابداران، لازم است از حسابداران رسمی و حرفه ای استفاده شود در این خصوص توجه به مقررات ذیل ضروری است: اصلاحیه اساسنامه سازمان حسابرسی (شرکت مادر تخصصی) مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۸ هیات وزیران، اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ هیأت وزیران بویژه مواد ۵۸ الی ۶۵ آن، و اصلاحیه اساسنامه مزبور مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۸ هیأت وزیران، قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار

رسمی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۱، آیین نامه اجرایی تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۹/۶/۱۳ هیأت وزیران که در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۹ نیز توسط هیأت وزیران مورد اصلاح قرار گرفت.

۲۷- ماده ۳۷ کنوانسیون در مورد تهدید و ترساندن به منظور مداخله در انجام وظایف رسمی است. در این مورد مواد ۵۴ و ۶۰۷ و ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی از جهت تهدید به منظور اخذ امتیاز و نوشته و سند از کارمند رسمی، قابل ملاحظه است.

۲۸- ماده ۳۸ کنوانسیون نیز مسؤلیت اشخاص حقوقی را مورد بحث قرار داده است که طی آن مقرر شده که مسؤلیت اشخاص حقوقی می تواند کیفری یا مدنی یا اداری باشد. البته در سیستم حقوقی ایران، مسؤلیت کیفری برای اشخاص حقوقی بندرت در نظر گرفته شده زیرا این مسؤلیت همواره بر عهده مدیران و اداره کنندگان و نمایندگان قانونی اشخاص حقوقی قرار گرفته است؛ از جمله ماده ۱۰۹ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳، تبصره ۱ ماده واحده قانون تعطیل موسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون مجوز قانونی دائر شده و می شود مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۰، ماده ۷۲، قانون اصلاحی صدور چک مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۹، ماده ۶ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می کند مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸، ماده ۷۶ قانون

نظام صنفی مصوب ۱۳۷۰/۴/۱۳، تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۹، قسمت اخیر ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹، ماده ۹ قانون تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۵۳/۲/۲۳ و سایر

موارد ناظر بر مسؤلیت کیفری مدیران و نمایندگان قانونی اشخاص حقوقی که تخلف منتسب به آنان است، می باشد. لهذا در نظام تقنینی کشور ایران، قانون یا قوانینی که مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی را بپذیرد از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کند. فی المثل ماده ۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹، مجازات تعطیل را که از مصادیق مجازاتهای بازدارنده موضوع ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ به شمار می آید، نسبت به همان موسسه پزشکی و دارویی

قابل اعمال دانسته است. بعلاوه ماده ۱۷ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۲ نیز محکومیت به جزای نقدی را که در شمار مجازاتها قرار دارد، نسبت به اشخاص حقوقی مجری می داند. ماده ۱۷ قانون یاد شده مقرر می دارد: «در مواردی که کالا بر خلاف ضوابط و مقررات توزیع یا قیمت به صورت عمده در اختیار اشخاص غیر واجد شرایط جهت فروش قرار گیرد، علاوه بر مجازات فروشنده، اشخاص حقیقی یا حقوقی خریدار کالا نیز به پرداخت جریمه معادل یک تا سه برابر درآمد من غیر حق محکوم می شود. افزون بر موارد فوق ماده ۶ قانون الزام شرکتهای و موسسات ترابری جاده ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸/۲/۳۱ نیز اشعار داشته که: «چنانچه شرکتهای و موسسات ترابری جاده ای مسافر و کالا بر حسب نوع فعالیت از اوراق مذکور در مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون استفاده ننمایند و یا مبادرت به استفاده از اوراق عادی به عنوان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه بنمایند یا به طور غیر مجاز صورت وضعیت مسافری یا بارنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند متخلف محسوب و برای بار سوم از یک میلیون ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی و تعطیل از یک ماه تا سه ماه محکوم خواهند شد.» (مقرر فوق به موجب ماده ۵ قانون اصلاح پاره ای از مواد قانون الزام شرکتهای و موسسات ترابری جاده ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه و تبصره ۳ آن مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ اصلاح گردید).

ضبط اموال نیز حسب بند ج ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۷۸ و همچنین ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، از مصادیق مجازاتها و یا حداقل از تبعات مجازاتهای قانونی و احکام کیفری تلقی می شود؛ ماده واحده مصوب ۱۳۷۰/۴/۱/۱۳۲۸ در تضمین اصل ۲۱ متمم قانون اساسی مشروطیت، اعلام می داشت که «اموال متعلق به هر حزب یا دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی که به هر نحوی از انحاء مشمول مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ قانون مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ بوده یا از طرف دولت به استناد اصل ۲۱ متمم قانون اساسی منحل شده یا می شود ضبط می گردد...»<sup>(۱)</sup>

در مورد مسؤلیتهای حقوقی و مدنی اشخاص حقوقی نیز، دادگاهها و مراجع قضایی همواره این مسؤلیت را مستنداً به قوانین جاری و تاسیس مسؤلیت تضامنی بر عهده مدیران شخص حقوقی قرار می دهند. اگر چه مقررات قانونی موجود از جمله ماده ۱۱ قانون مسؤلیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۸ و ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب ۱۳۳۹/۲/۸

در سیستم حقوقی ایران مسؤلیت کیفری برای اشخاص حقوقی بندرت در نظر گرفته شده و همواره بر عهده مدیران و اداره کنندگان و نمایندگان قانونی اشخاص حقوقی قرار گرفته است

۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسؤولیت مدنی اشخاص حقوقی را در مواردی که خسارات وارده مستند به عمل مدیران و کارمندان نبوده و مربوط به نقص وسایل اداری و موسسات باشد پذیرفته است. بعلاوه ماده ۱۹ قانون صدور چکاصلاحی مصوب سال ۱۳۷۲ نیز از جهاتی شبیه به دو مصوبه فوق می باشد. البته مسؤولیت مدنی مدیران اشخاص حقوقی (شرکتهای تجاری) در برخی مقررات مانند مواد ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ پیش بینی شده است.

۲۹- ماده ۳۸ مکرر کنوانسیون در ارتباط با مبحث شروع به جرم و معاونت در ارتکاب جرم است. تعریف و جهات شروع به جرم در ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ آمده و در تمامی جرائم نیز قابل مجازات نیست مگر اینکه صریحاً در قانون به قید مجازات تقریر گردد.

درخصوص معاونت در جرم نیز مواد ۴۳ و ۴۴ و ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ و همچنین نصوص خاص مندرج در آن قانون و سایر قوانین، ملاکعمل است.

۳۰- بند ۶ مکرر ماده ۴۰ کنوانسیون مصادیقی را ذکر می کند که به نظر در زمره مجازاتهای بازدارنده و تنمیمی موضوع مادتهای ۱۷ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و همچنین قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۷۹ قرار دارد.

۳۱- ماده ۴۰ مکرر کنوانسیون که با عنوان نظام شمول مرور زمان در خصوص جرائم موضوع کنوانسیون آمده، کلیتاً و فعلاً در قوانین کیفری ایران قابل اجراء نیست. زیرا شمول مرور زمان کیفری فعلاً در مواد ۱۷۳ الی ۱۷۶ قانون آزمایشی آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ پیش بینی شده که صرفاً در مورد جرائم و مجازاتهایی از نوع مجازاتهای بازدارنده و یا اقدامات تأمینی و تربیتی قابلیت اجراء داشته و مضمی مواعد مذکور موجبات موقوفی تعقیب و یا موقوفی اجرای حکم را فراهم خواهد کرد.

۳۲- ماده ۴۲ کنوانسیون که درباره توصیف و مصادره و مسدود کردن عایدات مجرمانه تدوین شده است در قوانین ایران مسیوق به سابقه است از جمله شقوق ۵ و ۶ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و اصلاحی ۱۳۸۱، مادتهای ۱۰۷ و ۱۱۱ قانون آیین دادرسی

کیفری جدید مصوب ۱۳۷۸، مادتهای ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ (ضبط اموال حاصل از جرم)، تبصره ۱ ماده ۲ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۳، ماده ۳ قانون منع خرید و فروش کویپنهای کالاهاهی اساسی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۷، ماده ۱ قانون راجع به جلوگیری از احتکار مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۷ (ضبط عین کالا) (البته به نظر می رسد مادتهای ۷۴ و ۷۵ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۳ و قانون تعزیرات حکومتی جایگزین قانون فوق، شده باشند.)، ماده ۱ و تبصره ۲ (مصوب ۷۳/۱۱/۹) و ماده ۲ (مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹) و ماده ۳ و ۶ (اصلاحی ۲۹/۱۲/۱۳۵۳) و ماده ۵ (اصلاحی ۳/۱۲/۱۳۱۹) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ و اصلاحات آن تا تاریخ ۹/۱۱/۱۳۷۳، تبصره ماده ۴ (مصادره اموال) و تبصره ۱ ماده ۸ (مصادره اموال) و ماده ۱۳ (ضبط بئفع دولت) و تبصره ماده ۱۴ (ضبط اموال بئفع دولت) و مواد ۲۰ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ و ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام ( البته من بعد کلیه امور مربوط به قوانین فوق به شرح مواد مندرج در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ عمل می گردد)،

مواد ۵ و ۷ و ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷، مادتهای ۶ و ۷ دستورالعمل اجرایی قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۴/۶/۴ شورای عالی قضایی، ماده واحده قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروتهای ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹ و بند الف و ب ماده ۲ و ۶ و ۷ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۳۷۴ و مادتهای ۵۸۸ و ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی ناظر بر همین موضوعات است. النهایه باید اضافه نمود که قانون تأسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴ نیز در مورد کالاهاهی قاچاق و مورد مصادره ضبط و سایر عناوین، تعیین تکلیف کرده و به موجب مادتهای ۱ و ۹ قانون یاد شده، وجوه حاصل از فروش آنها به حساب درآمد عمومی کشور واریز خواهد شد. مادتهای ۳۱ و ۳۲ قانون یاد شده نیز در همین خصوص وضع شده است.

۳۳- ماده ۴۲ کنوانسیون که وضع مقررات ناظر بر حمایت از شهرد و کارشناسان و قربانیان جرم را مورد تاکید قرار داده، در قوانین ایران، سابقه صریح ندارد اگر چه قضات محاکم حسب ضرورت و عنداللزوم، دستورات لازم را جهت تأمین جان اشخاص فوق معمول می دارند.

۳۴- ماده ۴۴ کنوانسیون متضمن وضع حکم قانونی دایر بر بطلان و بی اعتباری پیامدها و آثار حقوقی ناشی از اعمال فساد است که به نظر متن بسیار مفیدی است به عبارت دیگر مطابق این ماده می باید نصی به تصویب مقنن برسد که علاوه بر مجازات، از حیث حقوقی نیز اعمال فساد و آثار حقوقی بر آن باطل و بلااثر شمرده شود. در قوانین ایران حکم کلی در این خصوص وجود ندارد ولی می توان از مواد ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و بویژه ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷، ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، مواد ۵۴۹ و ۵۵۱ و بند ۱ ماده ۵۵۴ و ۵۵۷ قانون تجارت، ماده ۱۳۲ قانون اصلاحی قانون تجارت سال ۱۳۴۷، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱ و ۲ و تبصره ۲ و ۵ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام ناظر بر بطلان عمل و رد عین مال حاصل از جرم و لغو امتیاز ماخوذه، استفاده نمود.

۳۵- ماده ۴۶ کنوانسیون و مفاد و شقوق مندرج در آن متضمن وضع مقرراتی در مورد تخفیف مجازات متهمین و مجرمینی است که در کشف جرم به مسؤولین قضایی و اجرایی کمک و مساعدت می کنند. در قوانین جزایی ایران مقرراتی در این خصوص وجود دارد از جمله: قانون اجازه منع تعقیب اشخاصی که در امور مربوط به اموال قبل از کشف جرم اقرار می نمایند مصوب ۱۳۲۲/۵/۲۳، شقوق ۲ و ۴ و ۶ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مادتهای ۵۲۱ و ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ و ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (تخفیف و تبدیل مجازات) از مصادیق مراتب فوق هستند.

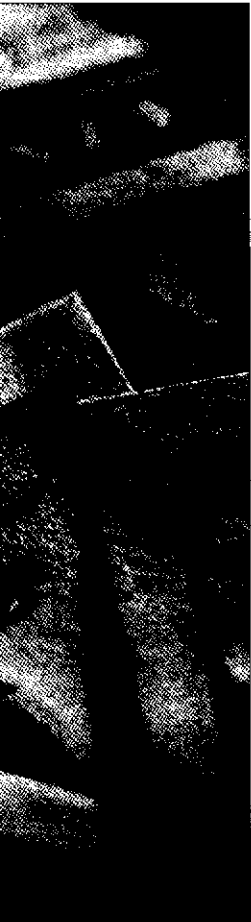
۳۶- موضوع ماده ۴۹ کنوانسیون، ثبت اطلاعات جنایی یا همان اطلاعاتی است که در اداره سجل کیفری ایران ثبت و ضبط می شود متأسفانه اداره فوق که سابقاً تحت نظر دادستان اداره می شده است هم اکنون به غیر از جرائم بسیار مهم و حساس مورد استفاده محاکم قرار نمی گیرد مثلاً امکان استفاده از سوابق کیفری متهم، در بحث تکرار جرم و تخفیف

۳۷- ماده ۴۶ کنوانسیون و مفاد و شقوق مندرج در آن متضمن وضع مقرراتی در مورد تخفیف مجازات متهمین و مجرمینی است که در کشف جرم به مسؤولین قضایی و اجرایی کمک و مساعدت می کنند. در قوانین جزایی ایران مقرراتی در این خصوص وجود دارد از جمله: قانون اجازه منع تعقیب اشخاصی که در امور مربوط به اموال قبل از کشف جرم اقرار می نمایند مصوب ۱۳۲۲/۵/۲۳، شقوق ۲ و ۴ و ۶ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ و ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (تخفیف و تبدیل مجازات) از مصادیق مراتب فوق هستند.

۳۸- ماده ۴۹ کنوانسیون، ثبت اطلاعات جنایی یا همان اطلاعاتی است که در اداره سجل کیفری ایران ثبت و ضبط می شود متأسفانه اداره فوق که سابقاً تحت نظر دادستان اداره می شده است هم اکنون به غیر از جرائم بسیار مهم و حساس مورد استفاده محاکم قرار نمی گیرد مثلاً امکان استفاده از سوابق کیفری متهم، در بحث تکرار جرم و تخفیف

۳۹- ماده ۴۹ کنوانسیون، ثبت اطلاعات جنایی یا همان اطلاعاتی است که در اداره سجل کیفری ایران ثبت و ضبط می شود متأسفانه اداره فوق که سابقاً تحت نظر دادستان اداره می شده است هم اکنون به غیر از جرائم بسیار مهم و حساس مورد استفاده محاکم قرار نمی گیرد مثلاً امکان استفاده از سوابق کیفری متهم، در بحث تکرار جرم و تخفیف

۴۰- ماده ۴۹ کنوانسیون، ثبت اطلاعات جنایی یا همان اطلاعاتی است که در اداره سجل کیفری ایران ثبت و ضبط می شود متأسفانه اداره فوق که سابقاً تحت نظر دادستان اداره می شده است هم اکنون به غیر از جرائم بسیار مهم و حساس مورد استفاده محاکم قرار نمی گیرد مثلاً امکان استفاده از سوابق کیفری متهم، در بحث تکرار جرم و تخفیف



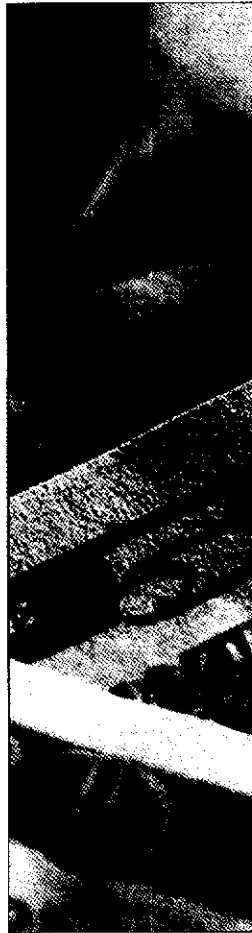
**ماده ۴۲ کنوانسیون که وضع مقررات ناظر بر حمایت از شهرد و کارشناسان و قربانیان جرم را مورد تاکید قرار داده، در قوانین ایران، سابقه صریح ندارد اگر چه قضات محاکم حسب ضرورت و عنداللزوم، دستورات لازم را جهت تأمین جان اشخاص فوق معمول می دارند**

مجازات متهم) بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ( و ماده ۲۵ قانون یاد شده در باب تعلیق اجرای مجازات، مورد نظر قرار می گیرد .

۳۷- ماده ۵۰ کنوانسیون مرتبط با حوزه سیطره و ولایت قضایی است . مفاد این ماده و جهات مندرج در آن به کیفیتی با مواد ۳ الی ۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ همخوانی دارد البته باید توجه داشت که در شقوق ۳ و ۴ ماده ۵۰ کنوانسیون عبارتی قید شده که مطابق آن حتی اگر دولت عضو به دلیل شهر وندی از استرداد مجرم به کشور عضو دیگر امتناع می ورزد، مکلف است ولایت قضایی خود را بر جرائم موضوع کنوانسیون و محاکمه متهم مزبور در کشور خود، اعمال نماید .

۳۸- ماده ۵۱ کنوانسیون، با موضوع و عنوان تسلیم کردن مجرمین تقریر یافته است . در بند ۱ ماده ۵۱ از حیث استرداد مجرم بین دو کشور عضو درخواست کننده و پذیرنده درخواست، توصیف مجرمانه عمل ارتكابی و مجازات پذیر بودن آن در قوانین هر دو کشور ضرورت دارد . اگر چه در بند ۱ مکرر از این قاعده عدول شده است به علاوه حسب مدلول بند ۳ ماده ۵۱ کنوانسیون، بین کشورهای عضو می باید معاهده واگذاری مجرمین تنظیم شود به علاوه جرائم سیاسی در زمره جرائم موضوع کنوانسیون و واگذاری مجرمین قرار ندارد . علت تصریح به این امر روشن است زیرا مجرمین سیاسی در نظامهای قانونی و قضایی کشورها، اصولاً قابل استرداد به کشور درخواست کننده نیستند و معمولاً با درخواست

و پذیرش پناهندگی سیاسی نیز، موضوع اساساً منتفی می گردد . بند ۴ ماده ۵۱ نیز در صورت فقدان معاهده استرداد، این کنوانسیون را اساس و مستند قانونی برای واگذاری مجرم می شمرد . در بند ۱۰ ماده ۵۱ نیز مقرر می دارد که اگر کشوری از واگذاری مجرم خودداری نمود می باید موضوع رایبه مقامات ذی صلاح خود احاله تا با آن جرم و متهم آن، برخورد قضایی شود . استرداد مجرمین بر اساس بند ۱۴ ماده ۵۱ کنوانسیون، چنانچه ناظر بر مجازات شخصی به لحاظ جنسیت، نژاد، مذهب، ملیت، میداء نژادی یا ایده های سیاسی آن شخص باشد، منتفی می گردد . ( به ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه



مصوب سال ۱۳۷۹ و بند الف ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون یاد شده مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۷ هیأت وزیران در مورد تعریف پناهنده توجه شود) البته باید عنایت داشت که در مقررات ایران، موضوع استرداد مجرمین مقید به قوانین و عهود خاصی است که اجمالاً به آن اشارتی خواهیم داشت : از جمله اصل ۷۷ قانون اساسی، ماده ۹ قانون مدنی در باب عهدنامه های بین دولت ایران و سایر دول که در حکم قانون شمرده می شود، قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴ و بخشنامه های شماره ۵۲۹ / ح / ۳۲۹۸ مورخ ۱۳۳۵/۲/۴ در خصوص نحوه تنظیم اوراق لازم برای استرداد و شماره ۲۶۸۹ / ۷ مورخ ۱۳۴۸/۴/۱۷ وزیر دادگستری، ماده ۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، قانون عهدنامه استرداد مجرمین بین دولت ایران و دولت پاکستان مصوب ۱۳۳۹/۳/۱۶ مجلس سنا، عهدنامه استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی بین دولت ایران و دولت جمهوری ترکیه مصوب ۱۴ مارس ۱۹۳۷ میلادی، قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و فرانسه مصوب ۱۳۴۳/۴/۳، مادتهای ۸ و ۶ قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۳۷۰/۹/۳ و شقوق ۹ و ۱۰ ماده ۶ قانون یاد شده که در باب استرداد مجرمین و نیابت قضایی در این خصوص است، به علاوه مادتهای ۳۱ و ۳۲ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی مصوب ۱۳۴۳/۷/۲۱ نیز تلویحاً با همین موضوع ارتباط دارد .

۳۹- ماده ۵۳ کنوانسیون که با سر فصل کمک قانونی متقابل پیش بینی شده، عمده در عهدنامه ها در نظر گرفته می شود .

۴۰- ماده ۶۰ کنوانسیون که همکاری بین المللی در زمینه مصادره اموال را می طلبد، بعضاً با مقررات داخلی ایران سازگار و همگن نیست . فی المثل مطابق اصل ۴۹ قانون اساسی و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷، پس از اثبات عناوین مندرج در اصل ۴۹ ( ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس) اموال و ثروتهای حاصل از عناوین مزبور از متصرفین غیرقانونی آن اخذ و به صاحب حق رد خواهد شد . در هر صورت این امر مستلزم رسیدگی قضایی است حال اگر دادگاه متبوع دولت خارجی حکم به مصادره اموال موجود در ایران صادر و ابلاغ نماید، دادگاههای انقلاب ایران بدون احراز تعلق اموال مزبور به دولت خارجی،

نمی توانند حکم خارجی را به مرحله اجراء درآورند مگر آنکه راساً به آن رسیدگی و پس از احراز و اثبات مالک قانونی، اموال مزبور را به صاحب آن رد نمایند و در غیر این صورت و بلاصاحب بودن مال، مطابق قانون تاسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب سال ۱۳۷۰ عمل خواهد شد . این موضوع در خصوص سایر اموال مورد مصادره که در قوانین دیگر نیز پیش

بینی شده، صادق است . البته چون همکاری بین المللی در زمینه مصادره اموال مدنظر قرار دارد، می توان با توافقات و عهود دوجانبه و یا پذیرش همین مواد کنوانسیون (از جمله ماده ۶۰) بدان عمل نمود همچنان که بندهای ۴ و ۹ ماده ۶۰ نیز متضمن همین معنی است . در این خصوص باید به ماده ۶۱ کنوانسیون و قانون داخلی ایران و عهدنامه های موجود نیز توجه شود ؛ از جمله قانون موافقتنامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸ و قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده های مدنی و جزایی مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸ را می توان نام برد .

۴۱- ماده ۶۷ کنوانسیون ناظر بر ابزار استرداد اموال از یک کشور به کشور دیگر عضو می باشد . به علاوه این مقرر به ماده ۶۸ نیز مرتبط است . مصادره اموال از تبعات یک حکم کیفری تلقی می شود به همین جهت حکم کیفری و تبعات آن که در یک کشور عضو صادر شده می باید مطابق عهود بین المللی در کشور دیگر به مرحله اجراء

در آید . در امور اجرای احکام مدنی صداره از محاکم خارجی، ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶ و ماده ۹۷۲ قانون مدنی، و در مورد اجرای آرای داوری خارجی نیز قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک مصوب ۱۳۸۰/۱/۱، حکم خاص دارد

ولی در مورد احکام کیفری صداره از محاکم خارجی، مقررات جاری ایران ساکت است زیرا اصولاً این امر مخالف نظم عمومی به شمار می رود که حکمی کیفری از کشور خارجی صادر و در کشور دیگر به مرحله اجرا در آید . مگر آنکه به موجب معاهدات بین المللی این تکلیف بر عهده دولت عضو قرار گیرد .

پاورقی :

۱- به نقل از مشروح مذاکرات شورای اسلامی، جلسه ۳۴۶، شماره ۱۷۰۲۸، تاریخ ۱۲ مرداد ماه ۱۳۸۲ هجری شمسی، صفحه ۲۶ و جلسه ۳۴۷، شماره ۱۷۰۴۱ تاریخ ۱۴/۵/۸۲ هجری شمسی صفحه ۱۱ .

۲- به نقل از دکتر محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، سال ۱۳۸۰، صفحه ۲۳ و ۲۴

**در مورد احکام کیفری صداره از محاکم خارجی مقررات جاری ایران ساکت است اصولاً این امر مخالف نظم عمومی به شمار می رود که حکمی کیفری از کشور خارجی صادر و در کشور دیگر به مرحله اجرا در آید . مگر آنکه به موجب معاهدات بین المللی این تکلیف بر عهده دولت عضو قرار گیرد**